

استان کرمانشاه، نقطه عطفی در پیش در آمد جنگ ایران و عراق

مرضیه بیگی زاده^۱ / انسیه باصری^۲

چکیده

جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) یکی از بحرانی‌ترین منازعات نظامی در تاریخ معاصر خاورمیانه، ریشه در مجموعه‌ای از پیش‌زمینه‌ها و محرک‌های تاریخی، سیاسی و اقتصادی دارد. اختلافات مرزی دیرینه میان دو کشور، موجب تنش‌های مداوم و درگیری‌های ارضی و سیاسی شده بود. امضای معاهده الجزایر در سال ۱۳۵۳، به‌رغم هدف کاهش تنش‌ها، نتوانست اختلافات را حل کند و مشکلات اجرایی آن، شرایط را تشدید کرد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحولی اساسی در منطقه رقم زد. صدام حسین، با هدف تثبیت قدرت خود و جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی، به ایران حمله کرد. فرضیه اصلی پژوهش این است که محرک‌های اصلی در نوار مرزی مخصوصاً در استان کرمانشاه، شروع جنگ را از نظر صدام حسین غیرقابل‌اجتناب کرد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که اختلافات مرزی در کرمانشاه همراه با موقعیت خاص استان کرمانشاه، چگونه به شروع جنگ ایران و عراق منجر شد؟ سؤال دوم اینکه چرا تهاجم عراق به ایران، براساس تحرکات نظامی عراق در ایران، غافلگیرکننده نبود؟ یافته‌های پژوهش، که در چهارچوب مطالعات تاریخی-سیاسی و از نوع توصیفی-تحلیلی و مطالعات اسنادی انجام شده است، نشانگر آن است که عراق تا پیش از شروع جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تحرکات و تجاوزاتی نظامی خود را در نوار مرزی غرب ایران و استان کرمانشاه آغاز کرده و عملیات‌های متعددی را در این استان انجام داده بود.

واژه‌های کلیدی: تحرکات مرزی، استان کرمانشاه، جنگ ایران و عراق، انقلاب اسلامی ایران.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mbeigi97@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، کارشناس گروه مطالعات انقلاب

basryansyh@gmail.com

اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹

Kermanshah Province, a turning point in the prelude to the Iran-Iraq War

marziyeh beygizadeh^۱/ Ansiyeh Basri^۲

Abstract

The Iran-Iraq War (1980-1988) was one of the most critical military conflicts in the contemporary history of the Middle East, rooted in a complex interplay of historical, political, and economic factors. Long-standing border disputes between the two countries had consistently fueled tensions and territorial/political conflicts. The Algiers Agreement of 1975, though intended to reduce tensions, failed to resolve the underlying issues, and its implementation problems exacerbated the situation. The Iranian Islamic Revolution of 1979 brought fundamental changes to the region. Saddam Hussein, aiming to consolidate his power and prevent the spread of the Islamic Revolution, initiated the invasion of Iran. This article argues that border disputes, combined with internal and external political developments, were pivotal in the outbreak of the Iran-Iraq War.

Keywords: Border movements, Kermanshah Province, Iran-Iraq War, Islamic Revolution of Iran, Saddam Hussein.

1. PhD in the history of the Islamic Revolution. Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran (Corresponding Author).

2. M.A in History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Department of Islamic Revolution Studies, Islamic Revolution Documentation Center, Tehran, Iran.

۱. مقدمه

جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن بیستم، نه تنها خسارات جبران‌ناپذیری به زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی هر دو کشور وارد کرد، بلکه تأثیرات عمیقی بر موازنه قدرت منطقه‌ای و معادلات بین‌المللی گذاشت. این جنگ که با حمله گسترده عراق به خاک ایران آغاز شد، ریشه در مجموعه‌ای از اختلافات تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیک داشت که سال‌ها در روابط دو کشور انباشته شده بود. در این میان، تحرکات نظامی و سیاسی عراق در مناطق مرزی، به‌ویژه در استان کرمانشاه، پیش از آغاز رسمی جنگ، نقش بسزایی در تشدید تنش‌ها و فراهم‌سازی زمینه برای حمله سراسری ایفا کرد.

استان کرمانشاه به دلیل موقعیت استراتژیک و نزدیکی به مرز عراق، همواره به‌عنوان یکی از نقاط حساس و آسیب‌پذیر در برابر تهدیدات خارجی مطرح بوده است. این استان، که از یک سو کانون مهمی برای فعالیت‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت و از سوی دیگر، معبری کلیدی برای دسترسی به شهرهای مهم داخلی بود، در کانون توجه سیاست‌گذاران نظامی و امنیتی عراق قرار داشت. بر این اساس، بررسی دقیق و موشکافانه تحرکات و تجاوزات دولت عراق در مناطق مرزی کرمانشاه، پیش از آغاز رسمی جنگ، می‌تواند زوایای پنهان برنامه‌ریزی‌ها و اهداف استراتژیک رژیم بعث را آشکار سازد.

در این میان عراق و اوضاع حاکم بر آن مستعدترین اهرم برای مقابله با انقلاب اسلامی و مانع محکمی در راه جلوگیری از صدور آن بود؛ چرا که دولت عراق به‌دلیل وجود کینه‌های تاریخی و تعارضات سیاسی و نظامی با ایران که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت، مترصد فرصتی بود که به مطامع سرزمینی و اهداف سیاسی خود دست یابد. این موضوع با از روی کار آمدن صدام حسین نمود بیشتری یافت. در این باره، صلاح عمر علی، سفیر عراق در سازمان ملل در سال ۱۳۵۸، طی مصاحبه‌ای در کتاب «صدام مر من

هنا» که در سال ۲۰۱۰ در بیروت چاپ شد، می‌گوید که صدام از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دنبال جنگ با ایران و نابودی آن بود (فصلنامه نگین ایران، ۱۳۹۱: ۱۲۱). درک عراق از این موضوع که به زعم آنها آشوب‌های انقلابی در ایران موجب ضعف کشور شده است، نکته ملموسی بود. طارق عزیز در سخنان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۹، به اضمحلال گسیختگی و تضعیف قدرت ایران اشاره کرد؛ دیگر عراق احساس می‌کرد زمان چیدن میوه ایران یا به‌رخ کشیدن توان نظامی خود به ایران فرارسیده است (درویان، ۱۳۹۴: ۶۱). ناگفته نماند چند عامل صدام را به برپایی جنگ با ایران مصمم‌تر کرد: نخست، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، کشمکش‌ها و رقابت‌های گروه‌های سیاسی داخل کشور موجب شکل‌گیری این تلقی نزد عراقی‌ها شد تا با استفاده از هرج‌ومرج داخلی ایران، ابتکار عمل را به دست گیرند. برداشت رهبران عراق این بود که در دورانی که ایران در ضعیف‌ترین شرایط است؛ اگر هیچ عملی برای جبران گذشته انجام نشود، فرصت تعیین خط مرزی عراق از دست خواهد رفت (اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۶). درعین‌حال، جمهوری اسلامی ایران در شرایط نامساعدی از نظر وضعیت بین‌المللی قرار داشت، به‌طوری‌که کشورهای امپریالیستی علیه انقلاب اسلامی به‌شدت بسیج شده بودند. این وضعیت، تعادل سیاسی-نظامی میان ایران و عراق را به نفع عراق مختل کرده بود و به عراق این امکان را می‌داد که از تغییر موازنه به‌وجودآمده برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های دیرین خود بهره‌برداری کند (انصاری، ۱۳۸۳: ۸۹-۸۸).

علاوه بر آن، سقوط شاه به‌عنوان ژاندارم منطقه و تغییر نظام سیاسی در ایران فرصت مناسبی را در اختیار عراق قرار داد تا با تجهیز و توسعه توان نیروهای نظامی خود و بهره‌گیری از خلأ قدرت در منطقه، خواسته‌های خود را که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به آنها دست نیافته بود، دوباره مطرح سازد و در کسب آنها تلاش کند (اکبرپور، بازرگانی، ۱۳۹۱: ۶). در ابتدای پیروزی انقلاب و در دوران دولت موقت، دولت عراق نامه‌ای به

مهندس بازرگان ارسال کرد. در این نامه، دولت عراق از عدم نگرانی در مورد واکنش منفی عراق نسبت به دولت جدید اطمینان داد و اشاره کرد که عراق به روابط خود با دو همسایه، ایران و ترکیه، توجه ویژه‌ای دارد (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۲۲۶). پس از همه‌پرسی دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ و رأی آری به «جمهوری اسلامی» به شکل نظام جدید، احمد حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق، تلگراف تبریکی برای استقرار جمهوری اسلامی به امام خمینی ارسال کرد (پارسادوست، ۱۳۸۵: ص ۲۲۷). پس از آن، از طرف دفتر امام خمینی در پاسخ به تلگراف حسن البکر، تلگراف تشکری ارسال شد که در بخشی از آن آمده است: «... نهضت انفجاری ایران در اثر دیکتاتوری و اختناق رژیم پهلوی هشدار بود برای همه مستکبرین در مقابل مستضعفین. من امیدوارم همه دولت‌ها با ملت‌های خود با مسالمت رفتار کنند. دولت‌ها باید در خدمت ملت‌ها باشند و ملت‌ها پشتیبان آن تا آسایش برای همگان باشد. عاقبت اختناق‌ها، انفجار است و آن نه صلاح ملت است و نه صلاح دولت...» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۷/ ۳۲). گفته می‌شود مقامات عراقی تلگراف فوق را دارای متنی «خصمانه و کلمات نامناسب» تلقی نمودند؛ با وجود این، چون خود را علاقه‌مند به مذاکره درباره مسائل بین دو کشور نشان می‌دادند از مهندس مهدی بازرگان دعوت کردند که از عراق دیدن کند. نایب‌رئیس شورای رهبری عراق نامه‌ای برای مهندس بازرگان ارسال کرد و دعوت دولت عراق از وی را تجدید نمود (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۲۲۸).

در ظاهر دولت عراق از طریق دیپلماسی سعی می‌کرد علاقه خود به مذاکره با مقام‌های ایرانی را ابراز کند؛ اما از همان آغاز انقلاب، پیوسته کردها و عرب‌های ایران را علیه دولت مرکزی تحریک می‌کرد. این موضوع از زمان روی کار آمدن صدام (۲۶ تیر ۱۳۵۸) شدت یافت که علاوه بر ایجاد تحرکاتی در مرزهای دو کشور، به پشتیبانی و تحریک نیروهای ضدانقلاب در کرمانشاه، کردستان و خوزستان پرداخت؛ برای مثال در

کرمانشاه، با جذب سران گروه‌های ضدانقلاب و تجزیه‌طلب، در پشتیبانی، تسلیح و هدایت آنها تلاش می‌کرد. در پاوه، جوانرود و نوسود از گروه‌های ضدانقلاب کُرد حمایت می‌کرد و در دشت ذهاب، کردند و قصرشیرین پشتیبان سلطنت‌طلبانی چون بختیار، اویسی، پالیزبان و سردار جاف بود و در جنوب قصرشیرین و سرپل ذهاب با نفوذ دادن عناصر مزدور دست به تخریب و ارباب می‌زد و با این اقدامات برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد (دری، ۱۳۸۳: ۳۶). و بدین ترتیب تناقضی اساسی در رفتار دولت عراق در قبال ایران بعد از به ثمر رسیدن جمهوری اسلامی مشاهده می‌شد. عراق ظاهراً حق حاکمیت انحصاری بر اروندرود و لغو خط تالوگ به‌عنوان مرز رودخانه‌ای دو کشور را به رسمیت می‌شناخت و ادعایی در این باره مطرح نمی‌کرد؛ اما در عمل، با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر موافق نبود (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۴). بدین ترتیب، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به شرایط داخلی ایران، عراق به دنبال فرصتی برای اجرای ادعاهای سرزمینی خود در بخش‌هایی از کشور بود. پیش از آغاز رسمی جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراق ابتدا با حمایت و تجهیز گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور به تحرکات خود ادامه داد و سپس با اعمال تجاوز نظامی به مناطق مرزی، این اقدامات را تشدید کرد. از تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ تا ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ در مجموع ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی، هوایی و دریایی از جانب عراق به ایران صورت گرفت. گسترش این حملات نشان‌دهنده آن است که عراق برنامه‌ریزی دقیقی برای حمله به ایران داشته است. آمار نشان می‌دهد که دولت عراق در طی بازه‌های زمانی مختلف حملات متعددی به مرزهای کشور داشته است که عبارت‌اند از: سه ماه اول سال ۱۳۵۸، ۱۴ مورد؛ سه ماه دوم سال ۱۳۵۸، ۱۱ مورد؛ سه ماه سوم سال ۱۳۵۸، ۲۶ مورد؛ سه ماه چهارم سال ۱۳۵۸، ۳۳ مورد؛ سه ماه اول سال ۱۳۵۹، ۱۴۳ مورد؛ سه ماه دوم سال ۱۳۵۹، ۴۱۰ مورد. این آمار مؤید آن است که هرچه به زمان هجوم سراسری

ارتش عراق به جمهوری اسلامی ایران نزدیک تر می‌شویم، علاوه بر آنکه تعداد حملات بیشتر شده است، شدت و وسعت حملات نیز افزایش یافته است (ولایتی، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۱).

استان کرمانشاه به دلیل موقعیت استراتژیک و نقش محوری در انقلاب اسلامی ایران، اهمیت ویژه‌ای داشت. این استان، یکی از کانون‌های مهم انقلاب و شهری تأثیرگذار، با ارتباطات نزدیک با عتبات عالیات، تهران و قم، نقش کلیدی در تحولات آن ایفا می‌کرد (بهرامی، ۱۳۸۹، ۱۹/۱). از منظر جغرافیایی و زمین‌شناسی، به‌ویژه محور قصرشیرین-سرپل ذهاب، به‌عنوان بخشی از جبهه میانی جنگ ایران و عراق، در تحلیل‌های نظامی کلاسیک، جایگاه ویژه‌ای داشت. این منطقه به‌عنوان مسیر عبور ارتش عراق به سمت کرمانشاه و بالعکس ارتش ایران به سمت بغداد، همواره مورد توجه قرار می‌گرفت. از این رو، عراق اهداف مهمی را در این ناحیه دنبال می‌کرد و در این جبهه، هدف اصلی عراق تصرف بخش‌هایی از خاک ایران بود تا امکان هرگونه واکنش از سوی نیروهای نظامی ایران به سمت بغداد از میان برود و با تأمین بغداد، اهداف اصلی در جنوب بهتر دنبال شود (انصاری، ۱۳۸۳، ۹۳ و ۹۵).

این مقاله به بررسی و تحلیل تحرکات و تجاوزات دولت عراق در مناطق مرزی استان کرمانشاه پیش از آغاز رسمی جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و سایر رویدادهای سیاسی منجر به تنش میان ایران و عراق می‌پردازد.

طبق بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون پژوهش مستقلی که به تحلیل و بررسی تحرکات انجام شده در نواحی مرزی استان کرمانشاه پیش از آغاز جنگ ایران و عراق پرداخته باشد، انجام نشده است. پژوهش‌های انجام شده در مورد جنگ ایران و عراق تاکنون، عمدتاً بر توصیف روند جنگ، تحولات، وقایع، عملیات‌ها و حوادث در جریان جنگ و پس از جنگ متمرکز بوده‌اند.

محمد درودیان در کتاب «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق (۱۳۹۵)» به ضرورت صورت‌بندی جدید از جنگ به‌عنوان یک مسئله استراتژیک پرداخته است. «ما اعتراف

می‌کنیم» نوشته محسن صفری (۱۳۷۰)، به بررسی استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و همچنین میزان حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای دیگر از عراق در خلال جنگ پرداخته است و صدام حسین را به‌عنوان متجاوز معرفی کرده است.

حسن رحیمی (۱۳۸۵) در کتاب از «سقوط گنجه تا فتح خرمشهر» به بررسی تطبیقی رهبری سیاسی در جنگ‌های معاصر ایران پرداخته است. حسن خامه‌یار در مقاله‌ای تحت عنوان نگاهی به تاریخچه روابط پرفراز و نشیب ایران و عراق (۱۳۹۱) به نوع روابط و همکاری سیاسی- نظامی رژیم حزب بحث با شوروی علیه ایران پرداخته است و وضعیت شیعیان ایرانی تبار عراقی را در روزهای منتهی به جنگ را بیان کرده است، بنابراین هیچ کدام از آثار نامبرده، قرابتی با موضوع پژوهش حاضر ندارند.

۲. تحلیل تحرکات نظامی عراق در استان کرمانشاه در سال ۱۳۵۸

پژوهشگران معتقدند موافقت‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر می‌توانست به‌درستی منافع دو کشور ایران و عراق را تأمین کند و به مجادلات قدیمی دو کشور پایان دهد. حتی این موافقت‌نامه قادر بود زمینه‌ای فراهم کند تا دو دولت با آرامش خاطر به امور داخلی خود بپردازند؛ به‌طوری‌که حتی تزلزل در موقعیت سیاسی رژیم شاه و آشکارشدن علایم بی‌ثباتی در ایران باعث همراهی دولت عراق با رژیم پهلوی شد (خامه‌یار، ۱۳۹۱: ۸۷) تا جایی که دولت عراق، بنا بر درخواست محمدرضا شاه، امام خمینی را از آن کشور اخراج کرد (درودیان، ۱۳۹۰: ۸۱). این نشان می‌دهد که شرایط داخلی ایران در روابط خارجی و موفقیت مذاکرات و توافقات بین‌المللی، نقش مهمی ایفا می‌کرد. سیاستمداران معتقدند که افکار سلطه‌جویانه و خودپسندانه صدام بعد از مرگ جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر، باعث شد تا وی رؤیای رهبری و سیادت بر جهان عرب را در ذهن خود بپروراند (خامه‌یار، ۱۳۹۱: ۸۷) و تلاش کند تا با به‌وجودآمدن کوچک‌ترین فرصتی به آرزوهای بلندپروازانه خود جامه عمل بپوشاند. با این

هدف، رژیم بعث عراق پس از انقلاب اسلامی، از هیچ کوششی برای تضعیف ایران دریغ نکرد. وی گمان می‌کرد با شروع جنگ همه‌جانبه با ایران بر اروندرود تسلط می‌یابد و با تغییر مرزهای این کشور، مالک رودخانه‌ی اروند می‌شود (علایی، ۱۳۹۱: ۶).

۱-۲. همراهی رژیم بعث عراق با جریان‌های تجزیه‌طلب در داخل ایران

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به تبع آن، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی کشور، فرصتی برای دولت عراق به رهبری صدام حسین فراهم آورد تا با بهره‌گیری از شرایط بی‌ثبات داخلی، زمینه‌های تضعیف و براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی را فراهم کند. اراده ایران و عراق در این روزها متفاوت بود؛ عراق برای حل اختلافات خود با ایران به دنبال توسل زور بود، ایران پس از انقلاب، برای حفظ انقلاب و نظام تازه تأسیس آماده دفاع می‌شد (درودیان، ۱۳۹۵، ۱۳۹).

اقدامات عراق، به‌ویژه پس از سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) به‌طور واضح در قالب تحریکات مرزی و حمایت از گروه‌های معارض داخلی خود را نمایان ساخت. دولت عراق، با درک عمیق از آسیب‌پذیری‌های داخلی ایران، به حمایت از جریان‌های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخت. این جریان‌ها، شامل سازمان چریک‌های فدایی خلق، کومله و دموکرات (سراج، ۱۴۰۳: ۲۴) می‌شد که در استان‌های مرزی کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی فعالیت داشتند. دولت عراق، با تجهیز گروه‌های برانداز و دراختیار گذاشتن امکانات رسانه‌ای، به‌ویژه ایستگاه‌های رادیویی^۱ به سازمان چریک‌های فدایی خلق، در

۱. در این روز اختلاف بر سر اداره ایستگاه رادیویی سازمان اقلیت در کردستان عراق در نهایت به درگیری مسلحانه مابین افراد سازمان اقلیت در روستای گاپیلون واقع در کردستان عراق، انجامید که در اثر آن پنج نفر از افراد سازمان به نام‌های عباس کیکاووسی (معروف به عباس پرولتر)، سعادت محمدی (معروف به هادی)، حسین محمدزاده (معروف به حسن)، مسعود محمدی (معروف به اسکندر) و سید فریدون بدرود (معروف به کاوه) به قتل رسیدند و به دنبال این درگیری سازمان اقلیت به دو شاخه تقسیم شد. شاخه کمیته اجرایی به سرکردگی افرادی چون عباس توکل، حسین زهری و مستوره احمدزاده و جناح شورای عالی به لیدری مصطفی مدنی و مسعود فتحی. بعدها نیز کمیته اجرایی در

گسترش دامنه نفوذ و تشدید فعالیت‌های ضدحکومتی آنها گام برمی‌داشت (کریمی، ۱۴۰۲) و کوشید شکست در تجزیه استان خوزستان را در دیگر مناطق مرزی ایران را جبران کند (درودیان، ۱۳۹۰: ۸۲).

یکی از بارزترین نمونه‌های فعالیت گروه‌های معارض با پشتیبانی رژیم بعث عراق، حمله به شهر پاوه در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ و اشغال آن بود. این اقدام، در پی تجمع هواداران حزب دموکرات و سایر گروه‌های ضدانقلاب در روستای قوری‌قلعه (در ۳۰ کیلومتری پاوه) و صدور قطعنامه‌ای با مضامین جدایی‌طلبانه و درخواست تصفیه سپاه در پاوه صورت گرفت. با وجود تلاش‌های مسئولان استان کرمانشاه برای حل مسالمت‌آمیز مسئله از طریق مذاکره، این تلاش‌ها به نتیجه نرسید و نهایتاً، در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸، گروه‌های مسلح به سمت پاوه حرکت کرده و ساعاتی پس از نیمه‌شب ۲۴ مرداد، شهر را به اشغال خود درآوردند (پورجباری، ۱۳۹۲: ۱۸۴). با استناد به منابع تاریخی، در سال‌های موردبررسی، جریان‌های معاند با هدف اخلال در نظم و تحمیل سلطه نظامی خود بر منطقه کردستان، راه‌های مواصلاتی منتهی به شهر را مسدود کردند (دری، ۱۳۸۳: ۴۰). مقاومت اولیه نیروهای مستقر در داخل شهر، مانع از سقوط سریع آن شد، لیکن به دلیل عدم آمادگی کافی در برابر حجم و شدت حملات، به تدریج از نقاط مختلف شهر عقب‌نشینی کردند و به جز ساختمان ژاندارمری، سایر مناطق را طی چند روز از دست دادند. این امر تقریباً منجر به اشغال کامل شهر توسط معارضین گردید (دری، ۱۳۸۳: ۴۰). هدف غایی این جریان‌ها، اعمال سلطه نظامی مسلحانه بر سراسر منطقه کردستان بوده است (بهزاد، بی‌تا: ۷۲). با انتشار اخباری مبنی بر کشتار مردم پاوه و پاسداران توسط نیروهای مهاجم (برای اطلاع از حوادث پاوه ر.ک. به: پورجباری، ۱۳۹۲: ۱۷۵)، امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ با صدور فرمانی خواهان اعزام نیرو به این

منطقه شد (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۸۵). بنا به گفته دکتر چمران، پیام امام خمینی تأثیر فراوانی در بالابردن روحیه نیروهای خودی گذاشت (امید انقلاب، ۱۳۶۷: ۲۱)؛ به طوری که پس از صدور پیام امام هزاران نفر از نیروهای ارتش، سپاه و داوطلبان غیرنظامی به پاوه سرازیر شدند (پورجباری، ۱۳۹۲: ۱۷۴). غائله پاوه بعدازظهر ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خاتمه یافت. پس از آن، امام خمینی با صدور پیامی از مردم و نیروهای انتظامی و نظامی قدردانی کرد (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۳۰۷). با توجه به شواهد موجود، تحرکات عناصر تجزیه طلب در استان کرمانشاه، همزمان و همراستا با حمایت‌های رژیم بعث عراق از این جریان‌ها، رخ داد. این تحرکات، بخش قابل توجهی از توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، از جمله یگان‌هایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه لشکر ۸۱ کرمانشاه) را به خود معطوف کرد. همکاری مستقیم ارتش بعث عراق با گروه‌های ضدانقلاب در حمله به پاسگاه‌های مرزی ایران و اشغال آنها، به‌وضوح نقض قوانین بین‌المللی تلقی شده بود و یکی از عوامل زمینه‌ساز و مقدمه‌ای برای آغاز جنگ بین دو کشور ایران و عراق به شمار می‌رفت (مهدیخانی، ۱۳۹۳: ۲۷ و ۲۸).

تجاوزات ارتش بعث عراق به مرزهای استان کرمانشاه، نقض آشکار حریم هوایی و زمینی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد و با حمله به مناطق مرزی، خسارات قابل توجهی به زیرساخت‌ها و منازل مسکونی وارد آورد. این تجاوزات عمدتاً به صورت گلوله‌باران و در مواردی بمباران مناطق و شهرهای مرزی صورت می‌گرفت که به نظر می‌رسد با هدف سنجش میزان آمادگی و ایجاد آمادگی نظامی برای آغاز جنگ انجام می‌پذیرفت. شدت این اقدامات خصمانه در نوار مرزی استان کرمانشاه، از پاسگاه باباهادی در شمال شرقی قصرشیرین تا ارتفاعات گیسکه در جنوب غربی سومار، قابل ملاحظه بوده است (دری، ۱۳۸۳:

به سبب شدت فزاینده حملات و تجاوزات مرزی، مسئولین نظامی استان کرمانشاه نسبت به وضعیت امنیتی و امور مرزی استان، نگرانی شدیدی داشتند و در راستای ارتقای سطح اشراف اطلاعاتی و مدیریت بحران، تصمیم گرفتند ساختمان شهربانی در شهرستان‌های مختلف استان کرمانشاه تأسیس کنند (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی، ۱۴۰۱: ۶۷). این اقدام، با هدف تقویت ساختار امنیتی و انتظامی در مناطق مرزی و افزایش توانایی پاسخ‌گویی به تهدیدات احتمالی صورت پذیرفت. در این میان، عناصر دست‌نشانده رژیم بعث عراق، با هم‌سویی و هماهنگی با سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن رژیم، به تشدید ناامنی و وخامت اوضاع معیشتی و امنیتی در مناطق مختلف استان کرمانشاه مبادرت می‌ورزیدند. اقدامات خصمانه این عوامل، از جمله مین‌گذاری در معابر عمومی، تهاجم مسلحانه به پاسگاه‌های انتظامی، گروگان‌گیری شهروندان و انتقال اجباری آنها به خاک عراق، به‌طور چشمگیری بر پیچیدگی و وخامت شرایط امنیتی منطقه دامن می‌زد (همان: ۸۵). پاسگاه باویسی نیز در این راستا، به‌عنوان یکی از نقاط استراتژیک، به‌طور مکرر از سوی عناصر معاند و گروه‌های آشوبگر، با پشتیبانی آتش سنگین نیروهای نظامی ارتش بعث عراق، مورد تهدید و تهاجم قرار گرفت. این حملات، با هدف تضعیف توان دفاعی منطقه و ایجاد خلل در ساختار امنیتی، صورت می‌پذیرفت (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

اقدامات تحریک‌آمیز و تجاوزکارانه جنگنده‌های نیروی هوایی عراق، از طریق انجام مانورهای هوایی مکرر در حریم هوایی دهکده‌های نوار مرزی استان کرمانشاه، به‌طور فزاینده‌ای موجب ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان غیرنظامی منطقه می‌شد (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی: ۷۱). این نمایش قدرت نظامی، عملاً حس ناامیدی و فقدان امنیت را در بین مردم محلی تقویت می‌نمود و بر بی‌ثباتی روانی و اجتماعی منطقه دامن می‌زد. در مقاطع حساسی نظیر آبان ۱۳۵۸، هم‌زمان با واقعه تسخیر لانه جاسوسی در تهران، شدت و گستردگی تجاوزات نظامی عراق به نقاط مختلف و پاسگاه‌های مرزی

کشور به حدی رسید که دولت ایران را تا مرز قطع روابط دیپلماتیک با این کشور پیش برد (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی: ۸۵). در این شرایط، دولت عراق با ارزیابی دقیق از وضعیت سیاسی و بین‌المللی، بر این باور بود که تشدید مناقشات سیاسی و گسترش دامنه درگیری میان ایران و آمریکا، منافع راهبردی و سیاسی کشور عراق را تأمین خواهد کرد (درودیان، ۱۳۹۰: ۸۵). شواهد حاکی از این است که احتمالاً دولت عراق تمایل به آغاز جنگ تحمیلی پیش از شهریور ماه سال ۱۳۵۹ داشته است. گزارش‌های وزارت کشور نشان می‌دهد که در این بازه زمانی، ارتش عراق به پیشروی‌هایی در مناطق مرزی دست یافته بود؛ تا جایی که درجه‌داران، بی‌سیم‌چی‌های نظامی ایران را در مناطق مرزی بازداشت کردند (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی: ۸۸). این اقدامات، به‌طور آشکار، سطح تنش بین دو کشور را به شدت افزایش داد.

در شرایط تنش فزاینده میان ایران و عراق، حوادثی رخ داد که بر شدت خصومت‌ها افزود. در اواخر سال ۱۳۵۸، تیراندازی به سوی گروهی مذهبی در خاک عراق منجر به کشته‌شدن چهار نفر و مجروح‌شدن هفده نفر شد. پس از این رویداد، دولت عراق، ایران را متهم به تشویق و ترتیب این تیراندازی نمود (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۷۷). در این مقطع زمانی، عراق سفیر جمهوری اسلامی ایران در آن کشور را به اتهام ارائه اطلاعات نادرست درباره عراق به رادیو دولتی ایران، «عنصر نامطلوب» تشخیص داده و درخواست خروج وی از عراق را مطرح نمود (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۸۱).

تشخیص سفیر ایران به‌عنوان «عنصر نامطلوب» توسط عراق بیانگر تشدید تنش‌ها و اختلافات میان دو کشور ایران و عراق است. این اقدام عراق، نشان‌دهنده‌ی اوج‌گیری اختلافات سیاسی و اطلاعاتی میان دو طرف و تلاش عراق برای کنترل اطلاعات منتشر شده در سطح بین‌المللی در خصوص شرایط داخلی خود بود.

۳. تحلیل تجاوزات عراق به کرمانشاه پیش از آغاز رسمی جنگ در سال ۱۳۵۹

بدون شک، وقوع جنگ، محصول تصمیم‌گیری دولتمردان است. در مورد جنگ ایران و عراق، تصمیم‌گیری حزب بعث عراق به رهبری صدام حسین برای آغاز این منازعه، حقیقتی غیرقابل‌انکار است. این تصمیم که با تلاش‌های گسترده برای تسریع در آغاز جنگ همراه بود، نشان از عزم و اراده حزب بعث برای آغاز یک درگیری نظامی دارد. پیش از آغاز جنگ ایران و عراق، اخبار منتشرشده از مناطق مرزی غرب کشور عمدتاً حاکی از تجاوزات نیروهای عراقی به پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری و متعاقب آن، تلفات انسانی بود. شهرهای مرزی استان کرمانشاه، از جمله قصرشیرین، گیلانغرب و نفت‌شهر، در معرض بمباران توپخانه‌ای دوربرد و همچنین حملات هوایی عراق قرار داشتند (قرهی، ۱۴۰۴).

از ابتدای سال ۱۳۵۹، با حمایت دولت عراق، فعالیت‌های گروه‌های سیاسی مخالف حکومت ایران شدت یافت. ارتش عراق، در کنار عناصر نفوذی خود در داخل کشور، با احداث پاسگاه‌های مرزی، حفر سنگر، افزایش نیرو و تجهیز کامل پاسگاه‌ها، خود را برای جنگ گسترده آماده ساخت و پاسگاه‌های مرزی در شهرهایی همچون ایلام و کرمانشاه را هدف حملات قرار داد (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جلد ۲، صفحه ۵۸). در فروردین ۱۳۵۹، اقدامات خرابکارانه گروه‌های کومله و چریک‌های فدایی خلق (شاخه کردستان) تا منطقه سقز گسترش یافت و در این خلال، نه نفر از تیپ نیروهای ویژه هوابرد ارتش جمهوری اسلامی ایران (کلاه‌سبزها) که در حال جمع‌آوری اجساد هواپیمای سقوط‌کرده (فانتوم) بودند، به اسارت درآمدند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹: ۲۳۰، ۱۰). حوادث تلخ فروردین ماه به سرعت اتفاق می‌افتاد و بدین ترتیب، تجاوزات و تحرکات مرزی عراق و تنش‌هایی که با فاصله اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بین دو

کشور به وجود آمده بود و در سال ۱۳۵۹ هم ادامه داشت در کنار دیگر مسائل به روابط تشنج آمیز میان دو کشور دامن می زد. در اواسط فروردین ۱۳۵۹، پس از آنکه ایران یک عضو سفارت عراق را اخراج کرد، دولت عراق به یک دیپلمات ایرانی ۲۴ ساعت فرصت داد تا این کشور را ترک کند (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۰۲-۱۰۱). همچنین، در ۲۱ فروردین ۱۳۵۹، سازمان چپ مارکسیستی چریک های فدایی خلق در دفتر روابط عمومی پیشمرگان مسلمان کُرد کامیاران، بمبی کار گذاشت که در ساعت ۸ شب منفجر شد. دموکرات ها و عوامل حزب بعث عراق ژاندارمری نوسود را خلع سلاح کردند و به مقادیری سلاح دست یافتند. این درگیری ها در پاوه نیز شدت گرفت و ادامه پیدا کرد (نداف، ۱۳۸۹: ۷۲) به این ترتیب بار دیگر تشنج و ناامنی سرتاسر کرمانشاه و کردستان را فراگرفت. سوء قصد به طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق و کشته شدن دو دانشجو در دانشگاه مستنصریه در دوازدهم فروردین ۱۳۵۹، حادثه دیگری بود که بر تیرگی روابط دو کشور افزود. در این ماجرا، فردی به نام سمیر نور علی هنگام سخنرانی طارق عزیز در دانشگاه مستنصریه بغداد، او را مورد سوء قصد قرار داد؛ اما قبل از آنکه به او آسیبی برساند به قتل رسید. دولت عراق مدعی شد او عضو حزب «الدعوه الاسلامیه» بوده و یک سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی حدود یک ماه در ایران حضور داشته است.

در خلال تعرضات یک جانبه عراق به ایران که شدت آن در استان کرمانشاه و شهرستان قصر شیرین به دلیل هم مرز بودن با سومار بسیار بالا بود، نیروی زمینی ارتش در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، با استناد به افزایش فعالیت های مرزی ارتش عراق و تهدید رئیس جمهور آن کشور، آماده باش را به اجرا گذاشت؛ اما بنی صدر رئیس جمهور و فرمانده کل قوا در گزارشی که متن اصلی آن منتشر نشده است، اظهار کرد که نظامیان جریان را خیلی جدی می گیرند (درودیان، ۱۳۹۵: ۱۵۶). به هر ترتیب بعد از حادثه دانشگاه مستنصریه، حکومت عراق با بهانه تراشی، محمدباقر صدر و خواهرش بنت الهدی را دستگیر و اعدام کرد (شادلو، ۱۳۹۹:

۲۹)، این حادثه و بمباران مناطق مرزی ایران، واکنش امام خمینی را طوری برانگیخت که امام خمینی، مردم و عشایر عراق را در چارچوب مبارزه اسلام و کفر به قیام و سرنگونی صدام دعوت کرد (درودیان، ۱۳۹۵: ۱۲۹). در این میان، عراق رسماً ایران را به دست داشتن در پرتاب بمب به سوی این اجتماع دانشجویی متهم کرد و صدام حسین سه بار قسم خورد: «خون‌های پاکی که در دانشگاه مستنصریه ریخته شده هدر نخواهد رفت» (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱ / ۹۷). ماجرای دانشگاه و بهره‌برداری رژیم بعث عراق به همین‌جا ختم نشد. در مراسم تشییع جنازه دو دانشجوی کشته شده در دانشگاه مستنصریه یک نارنجک به داخل جمعیت پرتاب شد و یک دانش‌آموز عراقی کشته شد. به دنبال این حادثه که در نزدیکی یک مدرسه ایرانی در محله اصلی «الوزیریه» در پایتخت عراق رخ داد، دانش‌آموزان عراقی، مدرسه ایرانی و بسیاری از منازل ایرانیان واقع در این منطقه را محاصره کردند که پلیس ضد شورش مداخله و دانش‌آموزان را متفرق کرد (همان، ۱۳۸۷: ۱ / ۹۸-۹۹).

مجدداً در فرودین ۱۳۵۹ پس از سوءقصد به جان لطیف نصیف جاسم الدلیمی، وزیر روزنامه و فرهنگ عراق که به او آسیبی نرسید، دولت عراق، دولت جمهوری اسلامی ایران را مسئول این واقعه معرفی کرد و بر شدت تجاوزات خود به ایران و کارشنک‌کنی علیه ایرانیان مقیم عراق افزود (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۲۶۶). ازجمله اقدامات دولت عراق، اخراج اتباع عراقی ایرانی‌تبار، مخصوصاً شیعیان آن‌هم با خشونت تمام (حمیدیان، ۱۴۰۴) بود که آن‌ها را با شرایط تأثرآور و بدون اطلاع قبلی، در اطراف مرز ایران رها کرد. بدین‌صورت که رژیم بعث عراق، ایرانی‌هایی را که حتی تابعیت عراقی گرفته بودند و به‌خصوص در کربلا و نجف مجاور بودند، با مصادره اموالشان از عراق اخراج کرد و به‌صورت معاودین به ایران بازگرداند. این اقدام از نیمه دوم سال ۱۳۵۸ صورت گرفت و تا شروع جنگ ادامه داشت. حدود پنجاه هزار نفر آمارشان تخمین زده شد. در روزهای آغازین این کار، اردوگاه‌هایی در

مرز ایران زده شد و اقدامات اسکان موقت آنان در شهرهای مرزی انجام شد. ناگفته نماند این عمل صدام برای مشکل آفرینی دولت ایران هم بود (قرهی، ۱۴۰۴). روزنامه‌های ایران وضع رقت‌بار آنان را منعکس می‌کردند و خشم مردم را علیه اقدام‌های دولت عراق برمی‌انگیختند. دولت عراق نیز متقابلاً تبلیغات گسترده‌ای علیه افراد اخراجی که عموماً آنان را وابسته به ایران و دولت ایران معرفی می‌کرد و می‌کوشید احساسات مردم عراق را علیه دولت و ملت ایران تحریک کند (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۲۶۶). حداقل شش هزار ایرانی از استان‌های ایلام و کرمانشاه وارد کشور و در اردوگاه‌های موقت ساکن شدند (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۱۹). با این حرکت، دولت عراق نشان داد که جنگ روانی را پیش از جنگ مستقیم نظامی آغاز کرده است. به دنبال اخراج ایرانیان مقیم عراق، ایران نیز در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، دیپلمات‌های خود را از عراق فراخواند (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۱۹)؛ بنابراین روابط تیره بین دو کشور، وارد مرحله‌ی جدیدی شد.

در چارچوب سیاست‌های خصومت‌آمیز عراق علیه ایران، تلاش مهاجمین برای ضربه‌زدن به ایران قوت گرفت. بنابر گزارش هنگ قصرشیرین مهاجمان برای سومین بار به منظور انهدام کارخانه برق و منبع آب به قصرشیرین حمله کردند (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی علیه ایران، ۱۴۰۱: ۶۳/۲). از سویی دیگر حملات تبلیغاتی عراق برای بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه ایرانی شدت گرفت (توکلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۶). صدام در فروردین ۱۳۵۹ یعنی هم‌زمان با قطع ارتباط ایران و آمریکا، اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی خارج شود و مدتی بعد در یک سخنرانی تأکید کرد که عراق آماده است اختلاف خود را با ایران با زور حل کند (انصاری، ۱۳۸۳: ۹۱-۹۰). در پی این نطق، حملات برون‌مرزی عراق شدت یافت. بنا بر گزارش ثبت‌شده از قصرشیرین، استوار دوم ارتش ایران، بعد از توزیع غذا در پاسگاه‌های قصرشیرین در راه

بازگشت با همراهان خود، با سلاح‌های سنگین پاسگاه قلعه لان عراق و آر پی جی مورد هدف قرار گرفته و همگی شهید شدند (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ۶۳ / ۲). همچنین، جابه‌جایی و استقرار دستگاه‌های زرهی در نوار مرزی، فعالیت‌های مهندسی و احداث جاده‌های نظامی، تحرکات و جابه‌جایی نیرو، استقرار توپخانه در نزدیکی مرز، تقویت نیرو در برخی مناطق مرزی، انجام شناسایی و عکس‌برداری، تجاوزات هوایی، تیراندازی‌های سبک و سنگین به داخل خاک ایران و ایجاد درگیری‌های مرزی و اعزام گروه‌های گشتی و تقویت و افزایش توان و سازمان رزم ارتش روزه‌روز شدت یافت (انصاری، ۱۳۸۳: ۹۱). افزایش حجم آتش در کرمانشاه، موجب ساخت سنگرهای دفاعی بیشتر در این استان و پاسخ متقابل نیروهای نظامی ایران به تهاجمات بعثیان می‌شد؛ اما عکس‌العمل ایران موجب عقب‌نشینی حزب بعث نمی‌شد و آنها تعداد تجاوزات خود به مناطق مرزی را افزایش می‌دادند. بنابر اعلام هنگ قصرشیرین در ساعت ۱۲:۳۰، نفت‌شهر در غرب استان کرمانشاه توسط ارتش عراق به شدیدترین وجهی زیر آتش توپخانه قرار گرفت که یکی از منابع نفتی دچار حریق شد و به تأسیسات نفتی نفت‌شهر خسارات فراوانی وارد شد (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ۱۴۰۱، ۴۲۶ / ۲) و مهاجمان به وسیله نیروهای مرزی عقب رانده شدند؛ اما به دلیل خسارات وارده ارسال نفت خام به پالایشگاه کرمانشاه قطع شد (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۰۶ و ۱۲۵). هم‌زمان در تهاجم به نفت‌شهر، گلوله‌های خمپاره به سمت مرز خسروی شلیک می‌شد و این گلوله‌ها در مناطق دو کیلومتری به زمین می‌خورد (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ۱۴۰۱، ۴۰۸ / ۲).

افزایش و تداوم حملات عراق به مناطق مرزی و حمله ضدانقلاب با حمایت ارتش بعث عراق به پاسگاه‌های مرزی سبب شد که ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۵۹ حفاظت و کنترل تعدادی از پاسگاه‌های مرزی را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پشتیبانی

ارتش محول کند. در همین راستا، تعدادی پاسدار برای آموزش به پادگان‌های لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه در سرپل‌ذهاب و اسلام‌آباد غرب اعزام، سپس به پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری انتقال داده شدند تا در هنگام گشت افراد ژاندارمری در مناطق ناامن، همراه آنها باشند (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۸/۲-۶۶). در پی این حوادث ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت کشور، با حضور در منطقه عملیاتی غرب کشور در جریان درگیری‌های مرزی، که عمدتاً در منطقه‌ی قصرشیرین تا سومار و نفت‌شهر متمرکز بود، قرار گرفت و از محل اسکان ایرانیان رانده‌شده از عراق و مناطق جنگی استان ایلام نیز بازدید کرد. بنی‌صدر با ایراد یک سخنرانی شعارهایی سر داد که یکی از دستاویزهای حمله عراق به ایران سر دادن چنین شعارهایی بود.^۱ او در یکی از سخنرانی خود از سربازان عراقی خواست که رژیم عراق را سرنگون کنند (شادلو، ۱۳۹۹: ۳۱-۳۰). تحرکات عراق در مرزهای غربی کشور به‌ویژه کرمانشاه چنان بود که بنی‌صدر این موضوع را توسط دو نفر از نمایندگان خود تأیید می‌کند: «صبح ابتدا آقایان [فضل‌الله] محلاتی و حسین خمینی [نوه امام خمینی] که از کرمانشاه آمده بودند به همراه آقای [سیدمصطفی] میرسلیم؛ معاون وزارت کشور آمدند. درباره کردستان و کرمانشاه گزارش دادند و معلوم شد که نیروهای دشمن در خاک عراق تدارکاتی دیده‌اند و خبری که قبلاً به ما داده شده بود، صحت دارد» (شادلو، ۱۳۹۹: ۳۲). لازم به ذکر است که آیت‌الله

۱ بنی‌صدر در طول دوران ریاست‌جمهوری خود در فروردین‌ماه ۱۳۵۹ سخنان تحریک‌آمیزی دیگری نیز گفته بود و در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خود گفته بود: «در صورتی‌که شورشیان مسلمان تقاضای کمک تسلیحاتی کنند، فوراً با آنها موافقت خواهد کرد.» او همچنین در مصاحبه‌ای با روزنامه لبنانی «النهار» گفت که: «دولت وی علاقه‌ای به برقراری روابط خوب با ملل عربی خلیج‌فارس ندارد. دولت‌های عربی کاملاً مستقل نبوده و مزدوران آمریکا هستند.» در پی این اظهارنظرها دولت کویت به این اظهارات اعتراض کرد و کاردار ایران در عراق به وزارت خارجه احضار شد و درباره‌ی اظهارات رئیس‌جمهور از وی توضیح خواسته شد (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۹۴-۹۳).

خامنه‌ای می‌گوید که بنی‌صدر حتی به کسانی که معتقد به حمله قریب‌الوقوع عراق بودند، تشر می‌زد و می‌گفت که هیچ حمله‌ای ما را تهدید نمی‌کند (درودیان، ۱۳۹۴: ۱۶۲) به دلایلی که هنوز به‌طور کامل مشخص نیست، بنی‌صدر به برخی از گزارش‌ها در خصوص تحرکات عراق علیه ایران، هیچ توجهی نداشت (همان: ۱۶۳). با گذر بهار ۱۳۵۹، تابستان داغ فرار رسید و مجدداً حوادث دیگری بر تنش بین دو کشور افزود. در تیرماه ۱۳۵۹ حسان محمد، دبیر دوم سفارت عراق در ابوظبی، در انفجار بمب کشته شد. با آنکه در بیروت گروهی ناشناخته به نام شهید کماندو عارف بصری مسئولیت این انفجار را به عهده گرفت و اعلام کرد که این اقدام به تلافی اعدام عارف بصری توسط مقامات عراقی، صورت گرفته است؛ اما دولت عراق، جمهوری اسلامی ایران را مسئول این حمله دانست (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۰۸)، و بدین ترتیب آتش تجاوزات عراق افروخته‌تر شد و بنابر اعلام تلفنی فرمانده هنگ ژاندارمری قصرشیرین، منطقه قصرشیرین به وسیله سلاح‌های سنگین کشور عراق مورد حمله واقع شد و در تاریخ ۱۵/۴/۵۹، بر اثر حملات مکرر آتش سلاح عوامل بعث عراق، فرمانداری و کانون معلمان قصرشیرین به حالت نیمه‌تخریب درآمد و شیشه‌های برخی از منازل فرو ریخت (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ۱۴۰۱/ ۲: ۲۸۵). سه روز پس از این حادثه دولت اتریش دو دیپلمات عراقی را به اتهام تلاش برای ایجاد انفجار در سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین اخراج کرد. طبق گزارش‌ها یک شیء مشکوک که بعداً معلوم شد ماده منفجره بوده است توسط فردی در سفارت عراق به یک جوان پناهنده کُرد داده شده بود تا به سفارت ایران ببرد؛ اما او پیش از بردن بسته به سفارت جمهوری اسلامی ایران به آن بسته مشکوک می‌شود و آن را باز کرده و محتوای بسته را بیرون می‌اندازد که بر اثر انفجار هشت نفر مجروح می‌شوند (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۱۵).

تداوم حملات عراق به پاسگاه‌ها و شهرهای مرزی غرب کشور باعث شد که بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، در اواخر مردادماه ۱۳۵۹ مجدداً عازم مناطق غربی کشور شود که طی آن از استحکامات دفاعی از عقبه مرز (همدان) و خطوط اصلی تهاجم احتمالی (کرمانشاه) بازدید کرد. هر چند گفته شده است که بنی‌صدر در بازدیدهای خود قریب‌الوقوع بودن جنگ را اعلام و تهدیدات نامزد جمهوری‌خواه آمریکا را جدی تلقی نموده، و جنگ تحمیلی را که دولت عراق در حال تمهید مقدمات آن بود به اشاره و هدایت آمریکا دانست (شادلو، ۱۳۹۹: ۳۴)؛ اما خاطرات فرماندهان جنگ نشان می‌دهد که او اعتقادی به حمله عراق به ایران و در نتیجه بروز جنگ قریب‌الوقوع بین دو کشور نداشته است (ر.ک. به: اردستانی، ۱۳۹۷: ۱۶۳-۱۶۲؛ مهتاب‌خین: ۱۳۸۹: ۷۱-۷۲؛ حسینی، ۱۳۹۵: ۲۶۶). ناگفته نماند یکی از مهم‌ترین آثار اختلاف بین بنی‌صدر و رجایی عدم توافق آنان درخصوص وزارت خارجه بود که موجب شد این وزارتخانه در آستانه جنگ ایران و عراق بدون وزیر باشد و نتواند در مجامع بین‌المللی نقش خود را در مقابله با تجاوز عراق به درستی ایفا کند. ایران عضو سازمان ملل بود و می‌توانست تجاوزات مرزی عراق را قبل از جنگ و تجاوز سراسری به ایران با شکایت به شورای امنیت پیش ببرد؛ اما فقدان وزیر در این وزارتخانه حساس این فرصت‌ها را از ایران گرفت (قرهی، ۱۴۰۴).

تجاوزات عراق در سال ۱۳۵۹ که به‌طور محسوسی از مرزهای غربی کشور عبور کرده بود تا شهریورماه رو به گسترش نهاد؛ به‌طوری‌که در شهریورماه ۱۳۵۹ کمتر روزی بود که قصرشیرین، نفت‌شهر و سومار از گلوله‌باران توپخانه دشمن در امان باشد. در این زمان ارتش بعث عراق در حال تمرین و افزایش توان رزمی یگان‌های خود بود. در شهریورماه ۱۳۵۹ تجمع انبوه نظامیان عراق، نوع آرایش و صف‌آرایی آنان از هجوم قریب‌الوقوع عراق خبر می‌داد. حکام عراق نیز با صراحت از آمادگی نظامی برای پایان دادن به اختلافات خود با ایران با توسل به زور، خبر می‌دادند (دری، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۲).

در واقع نیروهای ارتش بعث عراق زدوخوردهای مرزی را به‌صورت واقعه روزانه درآورده و با سلاح‌های سبک و سنگین، خمپاره و آرپی‌جی به پاسگاه‌های مرزی ایران حمله می‌کردند. در اوایل شهریورماه ۱۳۵۹ در پی آتش شدید توپخانه ارتش بعث عراق در طول منطقه مرزی غرب کشور که طی آن دو سرباز ایرانی کشته شدند، ایران نیز از موشک‌های زمین‌به‌زمین استفاده کرد (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۶۶).

از آنجا که عراق معتقد بود قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به طور کامل اجرا نشده و براساس آن قرارداد، منطقه خان‌لیلی و ارتفاعات میمک مربوط به عراق می‌باشد، در پانزدهم شهریورماه ۱۳۵۹ به منطقه خان‌لیلی یا زین‌القوس (زینل‌کش) حمله^۱ و منطقه‌ای به وسعت صد کیلومتر مربع از خاک ایران را اشغال کرد. در آغاز، ارتش بعث عراق حریم هوایی منطقه را با دو فروند جنگنده شکست و پاسگاه‌های مرزی آن را بمباران کرد. در این حمله یک تیپ زرهی تقویت‌شده ارتش بعث عراق شرکت داشت و با برتری کمی ۱ به ۱۲ در برابر نیروهای ایران، توانست پاسگاه مرزی و همچنین منطقه زین‌القوس را اشغال کند (دری، ۱۳۸۳: ۴۶). در پی تک دشمن در منطقه خان‌لیلی، نیروهای ایرانی از سپاه، ارتش و ژاندارمری وارد منطقه شدند و با پشتیبانی هوانیروز در هجدهم شهریور ۱۳۵۹ توانستند پاسگاه تنگاب‌کهنه را آزاد کنند. لیکن نیروهای ارتش بعث عراق که از حملات هوایی و توان زرهی بهره‌مند بود، منطقه‌ی اشغالی را تثبیت و تنها از پاسگاه تنگاب عقب‌نشینی کردند (دری، ۱۳۸۳: ۴۶)؛ اما همچنان آتش در قصرشیرین و پاسگاه تنگاب نو ادامه داشت و از مردم زخمی می‌گرفت (اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ۱۴۰۱/ ۲: ۲۸۶).

۱ حین طوالبه، مدیرکل وزرات اطلاعات عراق، ادعا کرد: «این اقدام در پی گلوله‌باران شهرهای خانقین و زرباطیه صورت گرفته است.» (جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۸۲).

پس از این حادثه، وزیر دفاع عراق در نوزدهم شهریور به طور رسمی اعلام کرد: «نیروهای مسلح عراق به مرزهای بین‌المللی رسیده‌اند و اختلافات ارضی خود را با ایران عملاً حل کرده‌اند» (دری، ۱۳۸۳: ۴۳؛ ابوغزاله، ۱۳۸۰: ۴۸)؛ اما این شایعه‌ای بیش نبود و شاید رژیم بعث عراق می‌خواست با این ترفند، ایران را از حالت آماده‌باش خارج کند. اقدامات متجاوزانه ارتش عراق در فروردین ماه ۱۳۵۹، شامل پیشروی از محور خان‌لیلی به سمت مناطق دیگر، از جمله پاسگاه پرویزخان بود. پس از تصرف محور خان‌لیلی و مستقر شدن در آن منطقه، نیروهای عراقی به سمت پاسگاه پرویزخان، که در کنترل حدود سی نفر از نیروهای سپاه پاسداران بود، یورش بردند. حمله عراق با استفاده از هفتاد تا هشتاد دستگاه تانک صورت گرفت و در مرحله اول، پاسگاه پرویزخان به تصرف نیروهای عراقی درآمد. با این حال، اعزام نیروی کمکی از سوی سپاه پاسداران و مقابله قاطع آنان، منجر به بازپس‌گیری پاسگاه شد. در این عملیات، نیروهای سپاه با انهدام تعدادی تانک عراقی و اسیر کردن چهار نفر، و غنیمت گرفتن هشت دستگاه تانک، توانستند کنترل پاسگاه پرویزخان را دوباره به‌دست آورند. این واقعه نشانگر شدت حملات عراق و مقاومت نیروهای سپاه پاسداران در برابر تجاوزات مرزی است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). این رویداد، نشان‌دهنده توانایی نیروهای سپاه پاسداران در مقابله با حملات تانکی گسترده ارتش عراق و همچنین تاکتیک‌های دفاعی موفق آنها در برابر تجاوز بود. عراق سپس از سمت مرز خسروی حمله کرد. در نبرد دیگری در پاسگاه مرزی خسروی، نیروهای سپاه مستقر در این منطقه، به‌رغم کمبود سلاح‌های سنگین، با بهره‌گیری از موشک‌اندازهای آر.پی.جی، موفق به متوقف کردن پیشروی نیروهای عراقی شدند و آنها را دست‌کم دو تا سه کیلومتر به داخل خاک عراق عقب راندند. این موفقیت نمایانگر توانایی نیروهای کم‌تجهیزات در مقابله با پیشروی نیروهای بسیار مجهز و همچنین تاکتیک‌های دفاعی مؤثر در مقابله با تجاوز نظامی است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). بدین ترتیب صدام حسین، هم‌زمان با افزایش تنش‌ها و درگیری‌های

مرزی با ایران و آماده‌سازی نیروهای خود، در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، در جمع وزرای خارجه کشورهای عربی، ضمن درخواست کمک و حمایت از آنان، اعلام کرد که قصد دارد خاک کشور خود را از ایران را بازپس بگیرد (انصاری، ۱۳۸۳: ۹۱). این اقدام، نشان‌دهنده عزم و سیاست تهاجمی عراق در قبال ایران بود.

از ۲۲ شهریور ۱۳۵۹، نیروهای ارتش عراق، با هدف گسترش اشغال مناطق مرزی، تلاش کردند پاسگاه‌های بیشتری در اطراف خان‌لیلی و میمک تصرف کنند. در این راستا، پاسگاه مرزی تلخاب در شمال میمک در همان روز (۲۲ شهریور) به تصرف درآمد و پاسگاه‌های کانی‌شیخ، سه‌تپان، سان‌واپا و سلمان نیز خسارات سنگین دیدند. روز بعد (۲۳ شهریور)، پاسگاه‌های ولدکشته و جنوب خسروی نیز مورد هجوم و تصرف قرار گرفتند. هم‌زمان، پیشروی نیروهای عراقی در منطقه نفت‌شهر افزایش یافت و با استفاده از توپخانه، شهر نفت‌شهر را هدف گلوله‌باران قرار دادند و به آن خسارات جدی وارد کردند (حسینی، ۱۳۹۵: ۹۱).

در اواخر شهریورماه ۱۳۵۹، ارتش بعث عراق با تصرف مناطقی از سومار و نوسود، گام‌های اولیه تهاجم خود به خاک ایران را برداشت (دری، ۱۳۸۳: ۴۳). این اقدامات، که نشانه‌ای از تشدید تحرکات نظامی رژیم صدام حسین بود، اوضاع امنیتی در مناطق مرزی ایران را به شدت وخیم کرد. در پاسخ به این تهدیدات فزاینده، رئیس‌جمهور وقت ایران، در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۵۹، تصمیم گرفت دفتر کار خود را از کاخ ریاست‌جمهوری به ستاد کل نیروهای مسلح منتقل نماید تا به‌طور مستقیم بر عملیات نظامی نیروهای مسلح در جبهه‌های غربی کشور نظارت و آن را رهبری کند (شادلو، ۱۳۹۹: ۴۴). این انتقال، نشان‌دهنده عزم جدی مقامات ایرانی برای مقابله با تهاجم خارجی و سازمان‌دهی دفاع ملی در برابر تجاوزات عراق بود. واکنش سریع رئیس‌جمهور ایران در انتقال مرکز فرماندهی به ستاد کل نیروهای مسلح، نقطه عطفی در بسیج منابع ملی و هماهنگی تلاش‌های دفاعی کشور در برابر تهاجم

خارجی بود و این اقدامات اولیه، زمینه‌ساز مقاومت منسجم ایران در برابر تجاوزات بعدی رژیم بعث شد.

از زمان امضای قرارداد الجزایر در سال ۱۳۵۴، صدام حسین، رئیس‌جمهور وقت عراق، با هدف آماده‌سازی این کشور برای تقابل نظامی با ایران، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را آغاز کرده بود. وی مصمم بود در صورتی که نتواند از طریق مذاکرات و راه‌های مسالمت‌آمیز به اهداف سیاسی و سرزمینی خود دست یابد، گزینه جنگ با ایران را عملی سازد. در این راستا، صدام دستور تدوین نقشه‌های جنگی و طرح‌های عملیاتی جامع را صادر کرده بود تا در صورت لزوم، این طرح‌ها علیه ایران به اجرا درآیند (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۵۸۵). شواهد این آمادگی نظامی در سخنرانی صدام در تاریخ سیزدهم آبان ۱۳۵۹ در مجمع ملی عراق به‌وضوح قابل‌مشاهده است. او در این سخنرانی اظهار داشت: «برادران نظامی در گذشته به من و رهبری نزدیک شدند و پیشنهادها و توصیه‌هایی در مورد وضعیت ایران به‌منظور تجاوز نظامی به این کشور ارائه دادند. برای ما طبیعی بود که در حالت آماده‌باش باشیم. ما با هوشیاری مراقب همسایگان خود هستیم و طرح‌های عملیاتی برای هر یک از آنها داریم تا در صورتی که همسایه‌ای قصد تجاوز به ما داشته باشد، آنها را به اجرا درآوریم. این طرح‌ها در گذشته‌ای دور تهیه شده‌اند» (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۵۸۵). این اظهارات، که تنها یک ماه و سیزده روز پس از آغاز تجاوز نظامی عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بیان شد، نشان‌دهنده برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و عزم راسخ رژیم بعث برای تهاجم به ایران بود. این امر بر ماهیت تهاجمی و ازپیش‌طراحی‌شده جنگ تحمیلی صحنه می‌گذارد. بنابراین صدام با توسعه درگیری‌های مرزی با ایران که از تابستان ۱۳۵۸ آغاز شده بود، آرام‌آرام وقوع جنگ با ایران را عملی ساخت و اکثر قریب به‌اتفاق روزنامه‌ها و مجله‌های معتبر جهان غرب صریحاً اظهار نمودند که عراق، جنگ علیه ایران را آغاز کرد.

نتیجه‌گیری

جنگ هشت ساله ایران و عراق که به‌طور رسمی از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد، نمودار تعامل پیچیده و چندوجهی از عوامل تاریخی، سیاسی، ژئوپلیتیک و نظامی بود. جنگ مذکور، به‌دنبال اقدامات تحریک‌آمیز عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با انگیزه تملک مناطق از ایران آغاز گردید. اقدامات پیشین عراق به‌ویژه تجاوزها و تحرکات مرزی در دوره کوتاه پس از پیروزی انقلاب (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) مؤید این هدف بود. رژیم عراق با بهره‌گیری از وضعیت ناپایدار سیاسی داخلی، دشواری‌های جمهوری اسلامی در مراحل اولیه شکل‌گیری، مطامع سرزمینی خود را با حمله به مرزهای ایران دنبال کرد. این عوامل پیچیدگی ریشه‌های این منازعه و انگیزه‌های آن را نشان می‌دهد.

در این راستا، مناطق مرزی استان کرمانشاه بارها هدف حملات تجاوزکارانه ارتش عراق قرار گرفت. استان کرمانشاه به‌واسطه موقعیت استراتژیک خود و نزدیکی به مرز عراق، همواره به‌عنوان یکی از نقاط حساس و آسیب‌پذیر در برابر تهدیدات خارجی محسوب می‌شد. این استان، از یک‌سو کانونی مهم برای فعالیت‌های انقلاب اسلامی و از سوی دیگر، به‌عنوان معبری کلیدی برای دسترسی به شهرهای مهم داخلی ایران، اهمیت ویژه‌ای داشت. به‌علاوه، استان کرمانشاه یکی از مراکز اصلی انقلاب به‌شمار می‌رفت و ارتباطات نزدیکی با عتبات عالیات و شهرهای بزرگ همچون تهران و قم داشت و نقش اساسی در تحولات اجتماعی و سیاسی آن دوران ایفا می‌کرد. از جنبه جغرافیایی و زمین‌شناسی نیز، به‌ویژه محور قصر شیرین- سرپل ذهاب، در تحلیل‌های نظامی کلاسیک به‌عنوان بخشی از جبهه میانی جنگ ایران و عراق، به‌حساب می‌آمد. این ناحیه، به‌عنوان مسیر عبور ارتش عراق به سمت کرمانشاه و همچنین ارتش ایران به سمت بغداد، اهمیت خاصی داشت. به همین دلیل، عراق اهداف مهمی را در این منطقه دنبال می‌کرد و هدف اصلی آن تصرف بخش‌هایی از خاک ایران بود تا هرگونه قابلیت پاسخ‌گویی نیروهای نظامی ایران به سمت بغداد را محدود کند و

با تأمین موقعیت خود در بغداد، اهداف استراتژیک خود را در نواحی جنوبی بهتر به پیش ببرد. حملات عراق که از سال ۱۳۵۸ شروع و از فروردین سال ۱۳۵۹ شدت بیشتری یافت، استان کرمانشاه را به شدت درگیر کرد و با توجه به اینکه هجوم سراسری عراق به ایران غفلتاً و به یکباره صورت نگرفت، استان کرمانشاه از ماه‌ها قبل از آغاز جنگ، زیر حملات رژیم بعثی عراق قرار گرفته بود.

کتابنامه

الف) اسناد

اسناد تحرکات مرزی استان کرمانشاه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اداره کل، نشر مرصاد، ۱۴۰۱.

ب) کتاب

ابوغزاله، عبدالحلیم، جنگ عراق و ایران، ترجمه نادر نوروزشاد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰.

اردستانی، حسین، جنگ عراق و ایران، رویارویی استراتژی‌ها، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۸.

اردستانی، حسین، تاریخ شفاهی دفاع مقدس، ج اول، روایت سید یحیی صفوی (از سنج تا خرمشهر)، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۷.

بهرامی، روح‌الله، انقلاب اسلامی در کرمانشاه، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ج ۱، ۱۳۸۹.

پارسادوست، منوچهر، ما و عراق؛ از گذشته دور تا امروز، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

پورجباری، پیمان، کرمانشاه در جنگ، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۲.

استان کرمانشاه، نقطه عطفی در پیش‌درآمد جنگ ایران و عراق..... ۴۷۱

تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱.

توکلی، یعقوب و دیگران، «روابط ایران و عراق پس از صدام، فرصت‌ها و چالش‌ها»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۵، تابستان ۱۳۹۲.

جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، زمینه‌سازی و آغاز تهاجم، ج اول، تهران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۷.

حسینی، سید یعقوب، نبردهای صحنه عملیات غرب (استان‌های ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی)، تهران، انتشارات ایران سبز، ۱۳۹۵.

حسینی، سید یعقوب، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، جلد دوم، تهران، نشر آجا، ۱۳۸۷.
خوشحالی، بهزاد (بی‌تا) دکتر مصطفی چمران و کردستان، ص ۷۲، نشر اینترنتی
www.behzadkhoshhali.com

رحیمی، حسن، از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر، تهران، نشر صریر، ۱۳۸۵.
دری، حسن، اطلس راهنمای جنگ در کرمانشاه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

درویدیان، محمد، جنگ ایران و عراق؛ موضوعات و مسائل، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۴.

درویدیان، محمد، گزینه‌های راهبردی جنگ، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۰.
درویدیان، محمد، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، ۱۳۹۵.

شادلو، عباس، اولین رئیس‌جمهور و جنگ؛ سیری در وقایع تاریخی سال اول جنگ و نقش اولین رئیس‌جمهور در آن، تهران، نشر الکترونیکی، ۱۳۹۹.

صحیفه امام، ج ۷، ۱۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
صفری، محسن، ما اعتراف می‌کنیم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

نداف، مجید، ۲۲ روز حماسه و ایثار در سندهج، بی‌جا: پایگاه خبری تحلیلی مطالعات تروریسم هابیلیان، ۱۳۸۹.

مهدیخانی، مجتبی، دروازه غربی؛ نگاهی به حماسه مقاومت مردمی گیلانغرب، تهران، صریر، ۱۳۹۳.
مهابت خین: انقلاب، کردستان و دفاع مقدس به روایت فرمانده بسیجی حسین همدانی، به اهتمام حسین بهزاد، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج، ۱۳۸۹، چ سوم.
ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

ج) مقالات فارسی

آرشیو مطالب سایت آزادی بیان www.azadi-b.com، کشتار درونی سچفخا (اقلیت) در گذر زمان، نویسنده: سیامک دهقانی ۲۰۲۰.

احمدی، اسدالله، «گزارشی از حمله عراق به محور قصرشیرین»، فصلنامه نگین ایران، سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۸.

اکبرپور بازرگانی، محمدجواد، «عملکرد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در زمینه آغاز جنگ عراق علیه ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۹)»، فصلنامه نگین ایران، سال یازدهم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۱.

انصاری، مهدی، «روزشمار هجوم سراسری عراق»، فصلنامه نگین ایران، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۸۳.

امید انقلاب، شماره ۵۷، ۲۸ خرداد ۱۳۶۷.

خامه‌یار، حسن، «نگاهی به تاریخچه پرفرازونشیب ایران و عراق»، نشریه شاهد یاران، شماره ۸۵، صص ۹۰-۸۶، ۱۳۹۱.

سراج، محسن و انسیه باصری، «چریک‌های فدائی خلق، مسئله ملی و غایله گنبد و کردستان»، مجله تاریخ ایران، ۱۷ (۲) ۱۴۰۳.

«مصاحبه غسان شریل با صلاح عمرعلی سفیر عراق در سازمان ملل قبل از آغاز جنگ با ایران»، ترجمه، غلامعلی رجایی، فصلنامه نگین ایران، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، تابستان ۱۳۹۱.

(د) مصاحبه:

حمیدیان، نقی، عضو سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، رئیس شاخه گنبد، گفت‌وگو با انسیه باصری، اردیبهشت ۱۴۰۴.

علایی، حسین، بررسی نقش عوامل مؤثر بر آغاز جنگ تحمیلی، شماره ۴۱، ۳۲ (ص ۳۶-۵)، ۱۳۹۱. قرهی، محسن، سرهنگ بازنشسته ارتش و استاد دانشگاه خوارزمی، دانشگاه علامه، تاریخ جنگ، گفتگو با انسیه باصری، اردیبهشت ۱۴۰۴.

کریمی، بهزاد، رئیس شاخه کردستان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، گفتگو با انسیه باصری، آبان ۱۴۰۲.

(هـ) روزنامه

روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۴ فروردین ۵۹، سه‌شنبه، شماره ۲۳۰، ۱۲.

